سینا رحیم‌پور

واکاوی ساختار تصمیم‌گیری‌های اصلاح‌طلبان در گفت‌وگو با حسین نورانی نژاد، سخنگوی حزب اتحاد ملت

رفتار جبهه‌ای، گامی به جلو در مسیر توسعه سیاسی

روی دیگر ناامیدی از اصلاحات، رجوع به اصولگرایی نیست

هرچه اصولگرایان از نبود ساختار سیاسی هماهنگ کننده بین خود رنج می‌برند، اصلاح‌طلبان ساختارهای متعددی دارند که گاه بروز برخی اختلافات را نیز تداعی می‌کند. شورای هماهنگی احزاب، شورای عالی سیاستگذاری انتخاباتی، شورای مشورتی رئیس دولت اصلاحات و حالا بحث پارلمان اصلاحات در بین این مجموعه مطرح شده است. برای بررسی آنچه این روزها در بین اصلاح‌طلبان می‌گذرد، به سراغ حسین نورانی نژاد عضو شورای مشورتی رئیس دولت اصلاحات رفتیم. نورانی‌نژاد هم اکنون سخنگوی حزب اتحاد ملت ایران اسلامی است. او معتقد است که اصلاح‌طلبان با وجود ساختارهای متعدد تصمیم‌گیر با مشکلی روبه‌رو نخواهند شد. مشروح این گفت‌وگو در ادامه می‌آید.

عکس: علی محمدی/ ایران

■ **حزب اتحاد از احزابی است که بتازگی به عضویت در شورای هماهنگی احزاب اصلاح‌طلب درآمده است. با این حساب قبل از این عضویت در شورای عالی اصلاح‌طلبان نماینده داشت. مشکلی که به نظر می‌رسد بسیاری از اصلاح‌طلبان امروز با آن روبه‌رو هستند و باعث بروز اختلافاتی در بدنه این جریان شده است بحث ساختار این جناح سیاسی است. شورای عالی اصلاح‌طلبان، شورای هماهنگی احزاب اصلاح‌طلب، شورای مشورتی آقای خاتمی و این روزها هم بحث پارلمان اصلاحات مطرح می‌شود. سؤال این است که چرا اصلاح‌طلبان این همه تعدد شورا و ساختار سیاستگذاری و تصمیم‌گیری دارند؟**

این بحث‌هایی که در این حوزه شکل گرفته است، نشان دهنده یک توافق ضمنی بین عمده کنشگرها بر سر این مسأله است که ساختار سیاسی موجود کاری را مشخص کرد و حرکتی جدید در جریان اصلاحات بود. در انتخابات ۹۴ اصلاح‌طلبان ساختار سیاستگذاری انتخاباتی خود را تحت عنوان شورای عالی سیاستگذاری انتخاباتی اصلاح‌طلبان به وجود آوردند و لیست‌های انتخاباتی مجلس تحت نظر این شورا بسته و به جامعه رأی ارائه شد. کاری به درست یا غلط بودن جزییات ساز و کار فعالیت این شورا ندارم اما این ساختارمند شدن فعالیت جبهه‌ای در انتخابات گامی رو به جلو بود. در انتخابات ۹۶ هم این ساز و کار با مقداری بهبود نسبت به قبل وجود داشت اما بعد از آن انتقاداتی مطرح شد که این ساز و کار ایراداتی دارد و به عنوان نمونه اینکه به میزان کافی شفاف نیست، باید دموکراتیک‌تر باشد و وزن جریان‌ها را در تصمیم گیری‌ها رعایت کند. این گام‌های رو به جلو اقدامی مبارک اما ناکافی بوده است. بعد از این نقدها و پاسخگوی نیاز فعلی جامعه سیاسی و اصلاح‌طلبان نیست. ما تعداد زیادی حزب داریم که با واقعیت‌های موجود در کشور سازگار نیست. ما به اندازه احزاب موجود در کشور گفتمان سیاسی نداریم. در واقع محافل و گعده‌ها تصمیم به راه‌اندازی حزب کرده‌اند. در درون جریان اصلاحات هم یک آمار متغیر بین ۲۰ تا بیش از ۵۵ حزب داریم. از سوی دیگر ایده‌های دیگری هم مطرح می‌شود. به طور مثال برخی می‌گویند جریان اصلاحات تبدیل به یک حزب شود که این موضوع هم با واقعیت سازگار نیست. ما از سویی با تفاوت دیدگاه در جبهه اصلاحات روبه‌روهستیم و از طرفی این تفاوت دیدگاه به میزانی نیست که بسیاری از این احزاب نتوانند در یک قالب تشکیلاتی به فعالیت بپردازند. شاید در یک شرایط نرمال بیش از دو سه حزب اصلاح‌طلب معنا نیابد. مجموع این مسائل اصلاح‌طلبان را به این واقعیت رسانده که به سمت فعالیت جبهه‌ای حرکت کنند. حال اینکه این فعالیت جبهه‌ای چه قالبی داشته باشد، در مسیر سعی و خطاست اما روندی رو به جلو دارد. این شوراها هم که شما نام بردید، هر کدام در چارچوب این راهبرد، کارویژه مختص خودشان را دارند تا زمانی که ساختار جبهه‌ای بتواند سامان و قوام جدی‌تری پیدا کند.

■ **درست است. اما سؤال این است که این ائتلاف و اجماع باید چه شکلی داشته باشد؟ این همه سیستم‌های تصمیم‌گیری با هم تداخل ایجاد نمی‌کند؟**

نه چندان، اینها همان طور که عرض کردم، هر کدام کارویژه خودشان را دارند. شورای هماهنگی مختص احزاب اصلاح‌طلب است. شورای مشورتی، شورایی است که شبیه به نوعی لویی جرگه، نهادهای دیگر مانند شورای عالی را پایه‌گذاری کرده و به آقای خاتمی هم به عنوان رهبر اصلاحات مشورت می‌دهد. شورای عالی هم یک نهاد بالادستی است که با نظارت آقای خاتمی، امور انتخاباتی جبهه اصلاحات را تاکنون راهبری کرده است و اینک در آستانه دور جدید خود است.

ما در هر دوره انتخاباتی شاهد یک گام به جلو در حرکت ائتلافی هستیم. به طور مثال در دوره‌هایی از انتخابات‌های گذشته لیست‌هایی از سوی اصلاح‌طلبان برای انتخابات ارائه می‌شد که کسی نمی‌دانست صادر کننده این لیست به نام اصلاح‌طلبان چه کسی است. در انتخابات ۹۲ ما شاهد ساختارمند شدن فعالیت انتخاباتی بودیم. در این سال شورای مشورتی آقای خاتمی وارد صحنه شد. این شورا بر فرآیند انتشار لیست‌ها نظارت کرد و در انتخابات ریاست جمهوری نیز با مدیریت فضای درونی اصلاح‌طلبان، از آقای روحانی حمایت کرد. این یعنی مقدمات یک ساختار جبهه‌ای. این حرکت ساز و کاری را مشخص کرد و حرکتی جدید در جریان اصلاحات بود. در انتخابات ۹۴ اصلاح‌طلبان ساختار سیاستگذاری انتخاباتی خود را تحت عنوان شورای عالی سیاستگذاری انتخاباتی اصلاح‌طلبان به وجود آوردند و لیست‌های انتخاباتی مجلس تحت نظر این شورا بسته و به جامعه رأی ارائه شد. کاری به درست یا غلط بودن جزییات ساز و کار فعالیت این شورا ندارم اما این ساختارمند شدن فعالیت جبهه‌ای در انتخابات گامی رو به جلو بود. در انتخابات ۹۶ هم این ساز و کار با مقداری بهبود نسبت به قبل وجود داشت اما بعد از آن انتقاداتی مطرح شد که این ساز و کار ایراداتی دارد و به عنوان نمونه اینکه به میزان کافی شفاف نیست، باید دموکراتیک‌تر باشد و وزن جریان‌ها را در تصمیم گیری‌ها رعایت کند. این گام‌های رو به جلو اقدامی مبارک اما ناکافی بوده است. بعد از این نقدها و نیاز به اصلاح در ساختار پیشنهادهایی برای حل این مشکلات ارائه شد که از میان این پیشنهادات پارلمان اصلاحات هم مطرح است، اما این تنها پیشنهاد نبود. عده‌ای معتقد بودند باید شورای هماهنگی احزاب تقویت شود. برخی دیگر به تقویت شورای عالی فکر می‌کردند و برخی دیگر به ادغام این ساختارها. در نهایت امروز بحث پارلمان اصلاحات برای نظرخواهی در اختیار احزاب قرار گرفته تا پیشنهادات در رابطه با شیوه‌های فعالیت این ساختار بررسی و اجرایی شود. به نظر می‌رسد که اگر این اتفاق رخ بدهد که اصلاح‌طلبان در رفتار جبهه‌ای موفق‌تر ظاهر شوند اصولگرایان هم به این سمت حرکت کنند و این یک گام مهم در امر توسعه سیاسی کشور می‌تواند باشد. این موضوع باعث می‌شود فضای سیاسی شفاف‌تر شود که به خودی خود اقدامی مثبت است.

■ **شما می‌گویید این ساختارمندی حاصلش شفافیت است. اما این نقد به ساختارهای اصلاح‌طلبان بویژه شورای عالی وارد است که از ابتدای تشکیل تا به امروز به هیچ عنوان درباره ساز و کارهای تهیه لیست‌ها و تصمیمات شفاف‌سازی نکرده است. تنها چیزی که شفاف شده است، نام یک تشکل به عنوان مرجع برلیست‌های انتخاباتی است. روندها هنوز شفاف نشده است و تصمیم به راه‌اندازی ساختار جدید گرفته شده است. اعتماد عمومی چه می‌شود؟**

ببینید نقد در هر سیستم و جامعه‌ای یک نیاز است. اصلاح‌طلبان بعد از نقد درونی به عملکرد خودشان در انتخابات ۸۴ به این نتیجه رسیدند که باید ائتلافی عمل کنند. این حرکت جبهه‌ای از دل همان نقدها بیرون آمد. اینکه سازوکارها تا به امروز با موفقیت روبه‌رو شده است یا نه یک امر نسبی است. من نظرم درمورد سؤال شما این است که باید به مسائل نسبی‌تر نگاه کرد. اجازه دهید این پیش فرض قطعی در سؤال شما را به چالش بکشم. سیستم این گونه نبوده که اصلاً هیچ پاسخگویی صورت نگیرد. به طور مثال در زمان انتخابات چند مصاحبه از سوی مسئولان شورای عالی گذاشته شد و پاسخ‌هایی داده شد. ما از نقطه‌ای که نمی‌دانستیم لیست‌های انتخاباتی را چه کسی تهیه کرده به جایی رسیدیم که بالاخره یک سازمان و سامان نسبی با افراد مشخص و شفافیت نسبی، لیست و کاندیدا معرفی می‌کند. البته نقدهایی هم وجود داشته و دارد. ممکن است ساز وکارها نیاز به اصلاح داشته باشد که خواهد شد اما به هرحال در وهله اول اتحاد اصلاح‌طلبان به عنوان هدف اولیه حفظ شده و دوم اینکه نهادی مسئول و پاسخگو در این جبهه شکل گرفته که در حال تکامل است.

■ **پیش از این هم این نهاد وجود داشت. شورای هماهنگی احزاب پیش از تشکیل شورای عالی در جبهه اصلاحات وجود داشت. امروز هم شاهدیم که بسیاری از اعضای این شورا، تشکیلات شورای عالی را به رسمیت نمی‌شناسند. دلایل این اختلافات چیست؟**

البته این گونه نیست که بسیاری از اصلاح‌طلبان شورای عالی را به رسمیت نشناسند. اکثریت مؤثر اصلاح‌طلبان این سازوکار را قبول دارند. من فکر می‌کنم دلیل برخی اختلافات به طور کلی به وجود ساختار جدید برنمی‌گردد بلکه همان بحث احزاب و میزان اثرگذاری آنها در جامعه است. گاهی احزاب تقریباً تمامی کنشگران سیاسی و گفتمان‌های موجود را نمایندگی می‌کنند. اما واقعیت این است که فضای سیاسی ایران این گونه نیست. در فضای سیاسی ایران نیاز است که چهره‌های مورد وثوق مردم نیز در کنار احزاب حضور داشته باشند. برخی از این افراد امکان فعالیت حزبی ندارند و وجودشان در کنار مجموعه احزاب اصلاح‌طلب هم ضروری است و هم می‌تواند هم‌افزایی داشته باشد. شاید یکی از دلایل انتقادات برخی احزاب این است که احساس می‌کنند میزان اثرگذاری‌شان در فضای سیاسی کاهش می‌یابد. در صورتی که این اثرگذاری نباید تنها به دوران انتخابات موکول شود. اگر حزبی واقعاً فعال باشد، صرفاً انتخاباتی نباشد، تولید گفتمان کند، شجاعت و دقت و شفافیت در موضعگیری داشته باشد، خود به خود در فضای عمومی جایگاهش را پیدا می‌کند. مردم بالاخره رصد می‌کنند و می‌بینند که کدام احزاب، فراتر از یک گعده به کار تشکیلاتی و سیاسی جدی مشغولند. اینها امور پنهانی از دید و قضاوت جامعه نیست. به این دلایل فکر می‌کنم این اختلافات به میزانی نیست که نتوان آنها را حل کرد.

ما برای ادامه استراتژی ائتلاف، یک سرمایه داریم و آن این است که همه اصل ادامه ائتلاف و اجماع درونی اصلاح‌طلبان را باور داریم. این پیش درآمد را همه قبول کردیم. در مورد اینکه این در قالب چه ساز و کاری و تحت چه نامی باشد بحث و بررسی می‌شود. این اختلافات هم بخشی از همین بحث‌هاست. ما باید بضاعت احزاب و گروه‌های سیاسی خودمان را در نظر بگیریم و در کنار این مسأله باید بضاعت جامعه برای یک حرکت جبهه‌ای هم سنجیده شود و در چارچوب این بضاعت‌ها تصمیم درست گرفته شود.

■ **به نقش حرکت جبهه‌ای اشاره می‌کنم» می‌تواند فضای سیاسی را در کشور تغییر دهد و یک نتیجه را به کام یک جریان رقم بزند حرکت جبهه‌ای معنا پیدا نمی‌کند. در انتخابات شورای شهر اخیر شاهد بودیم که برخی از احزاب اصلاح‌طلب لیست‌های جداگانه‌ای از لیست واحد دادند اما موفق نبودند. سؤال من این است که این ساختارها قرار است به موفقیت نهایی منجر شود یا به تقویت نقش احزاب در سیاست ایران؟**

هر دو. قبول دارم که در یکی دو انتخابات گذشته نقش احزاب چندان تقویت نشد و وزن‌شان هم معلوم نشد و این طبیعی است چون احزاب خودشان را در قالب ائتلاف قرار دادند. حضور خارج از ائتلاف احزاب را پیش از این تجربه کرده بودیم که نتیجه موفقی نداشت. اما در ادامه و در راهبرد ائتلاف، احزاب هم نقش مهمی را بازی کرده‌اند. در خروجی کار ائتلافی طبیعی است که نام احزاب، در سایه ائتلاف باشد و تصمیمات اصلاح‌طلبان را می‌گیرد، شورای عالی سیاستگذاری خواهد بود که برگرفته از شورای هماهنگی و شورای مشورتی است و بزودی دور جدید فعالیت‌های خود را آغاز خواهد کرد.

■ **تحت عنوان چه ساختاری قرار است این یک کاسه شدن صورت بگیرد؟**

هم در شورای هماهنگی و هم در شورای مشورتی در این باره بحث و بررسی‌های مفصل شده و خروجی آن در دور جدید شکل گیری شورای عالی دیده خواهد شد. البته ما فرصت خوبی تا انتخابات آینده داریم و برای رسیدن به نتیجه عجله نداریم. در این فرصت دو کار می‌تواند صورت بگیرد. اول اینکه احزاب به تقویت درونی خود بپردازند. دلیل این امر هم این است که در مدت گذشته آنقدر کار اجماعی و ائتلافی صورت گرفته که از تقویت خود بازمانده‌اند و دوم اینکه فرصت مناسبی پیش آمده تا یک ساز و کاری مبتنی بر فضای واقعی سیاست در کشور و بنیه اصلاح‌طلبان ذیل شورای عالی شکل بگیرد تا این حرکت جبهه‌ای موفق ظاهر شود. قطعاً می‌توانم این نکته را بگویم که در انتخابات بعدی اصلاح‌طلبان به لحاظ کار تشکیلاتی و هماهنگی، کارآمدتر و با برنامه‌تر ظاهر خواهند شد. همه اصلاح‌طلبان نیاز به این گام رو به جلو را احساس کرده‌اند و به امید خدا محقق هم خواهد شد.

■ **مدتی است در فضای رسانه‌ای کشور بحثی تحت عنوان «پارلمان اصلاحات» مطرح می‌شود. ساز و کار ساختار پارلمان اصلاحات چگونه است؟ قرار است این ساختار چگونه اختلافات میان ساختارهای موجود میان اصلاح‌طلبان را حل کند؟ آیا قرار است روندی دموکراتیک برای تشکیل آن به وجود آید؟ منظور این است از راه انتخاباتی افراد حاضر در آن انتخاب شوند؟**

ایده پارلمان اصلاحات بارها در گذشته مطرح شده ولی به تعیین جزئیات نرسیده است. در این باره بحث و گفت وگو بین اصلاح‌طلبان در جریان است ولی هنوز به جمع بندی نهایی منتهی نشده است. فکر می‌کنم که در آتیه نه چندان دور معلوم خواهد شد. شورا فعالیت‌هایش به همان انتخابات معطوف شود یا کارکردهای دیگر هم داشته باشد. اینها بحث‌های جاری در ارتباط با این پرسش شماست.

نکته مشخص این است که ما در حزب اتحاد فعالیت خودمان را داریم و صرفاً به انتخابات هم معطوف نشدیم. ما اولویت‌هایی داریم؛ اول باید منافع ملی را در نظر بگیریم. بعد منافع اصلاحات و بعد از آن منافع حزب و در آخر منافع اعضا را در نظر داریم. حزب اتحاد ملت بدون تردید بزرگترین حزبی است که در انتخابات پیشین فعالیت انتخاباتی داشت و ستادهایش به طور گسترده در سراسر کشور فعال بودند. اما به این موضوع بسنده نکردیم و فعالیت‌های خودمان را به شکل جدی در سایر زمینه‌های مرتبط دنبال می‌کنیم. در واقع هم نقش آفرینی انتخاباتی داشته ایم و هم نقش آفرینی در سایر وجوه سیاست و کار حزبی. با مجموعه این فعالیت‌ها سعی می‌کنیم که در ارتباط دوسویه با جامعه باشیم.

> اثرگذاری احزاب نباید تنها به دوران انتخابات موکول شود. اگر حزبی واقعا فعال باشد، صرفاً انتخاباتی نباشد، تولید گفتمان کند، شجاعت و دقت و شفافیت در موضعگیری داشته باشد، خود به خود در فضای عمومی جایگاهش را پیدا می‌کند

نیم نگاه

■ **شورایی که تصمیم نهایی برای تصمیمات اصلاح‌طلبان را می‌گیرد، شورای عالی سیاستگذاری خواهد بود که برگرفته از شورای هماهنگی و شورای مشورتی است و بزودی دور جدید فعالیت‌های خود را آغاز خواهد کرد**

■ **ایده پارلمان اصلاحات بارها در گذشته مطرح شده ولی به تعیین جزئیات نرسیده است. در این باره بحث و گفت وگو بین اصلاح طلبان در جریان است ولی هنوز به جمع بندی نهایی منتهی نشده است. فکر می کنم که در آتیه نه چندان دور معلوم خواهد شد**

■ **آن سوی ناامیدی از اصلاح و اصلاحات، اصولگرایی نیست. ناامیدی، به معنای انفعال نیست. گاهی ناامیدی به حرکت‌های رادیکال ختم می‌شود که در آن همه مردم و کشور متضرر خواهند شد**

■ **نزدیک شدن بخشی از اصولگرایان میانه به سمت گفتمان اصلاحات، و در نتیجه نزدیک شدن این جریان‌ها و کاهش تنش‌های رسانه‌ای، می‌تواند یکی دیگر از دلایل شکل گیری این احساس باشد که اصلاح طلبان محافظه کار شده اند**

■ **به اندازه احزاب موجود در کشور گفتمان سیاسی نداریم. در واقع محافل و گعده‌ها تصمیم به راه‌اندازی حزب کرده‌اند. در درون جریان اصلاحات هم یک آمار متغیر بین ۲۰ تا بیش از ۵۵ حزب داریم. شاید در یک شرایط نرمال بیش از دو سه حزب اصلاح طلب معنا نیابد. مجموع این مسائل اصلاح طلبان را به این واقعیت رسانده که به سمت فعالیت جبهه‌ای حرکت کنند**

■ **شعارهایی که در ایام ناآرامی‌های اخیر در نفی هر دو اندیشه اصلاح طلبی و اصولگرایی از سوی برخی از معترضان مطرح می‌شد را چگونه دیدید؟ آیا می‌توان گفت این شعارها در بین بخش قابل توجهی از جامعه عمق دارد؟**

به نظر نمی رسد اینگونه باشد. مورد اعتراضات اخیر در کشور نیاز به بررسی بیشتر دارد. ما در حزب اتحاد ساعت‌ها برای بررسی اعتراضات و انتشار یک بیانیه که بتواند همه جوانب کار را در نظربگیرد وقت گذاشتیم. تقریباً هر روز به کارشناسی این مسأله در حزب می‌پرداختیم و گزارش مناطق کشور را از شعبه‌های استانی دریافت می‌کردیم. در نهایت موضع ما همان چیزی است که در بیانیه آمد و البته بخش دوم آن بیانیه هم در حال کار شدن است. در مورد شعارها هم به نظرم نمی توان گفت که این شعارها گستردگی داشت. اما اگر نجنبیم، ممکن است که فراگیرتر شود. نسل جدید که رهاتر از نسل‌های قبل است و برخی تجارب پیشین را هم به عینه تجربه نکرده، با دستاوردهای حداقلی و انتخاب بین بد و بدتر و کاچی بعض هیچی راضی نمی شود.

■ **آقای علی رضا رجایی مدتی قبل در یک مصاحبه اعلام کرد که اصلاح طلبان محافظه کار شده اند. این نقد را نسبت به اصلاح طلبان در سال‌های اخیر فعالیت خود قبول دارید؟**

قبول داشته باشم یا نه، این احساس نزد برخی از جامعه ایجاد شده و لذا نمی توان از آن به راحتی عبور کرد. شخصاً فکر می‌کنم که گاهی توجیه و توضیح شرایط موجود از جانب برخی شخصیت‌ها و جریان‌های اصلاح‌طلب از حد می‌گذرد و برخی مخاطبان نتیجه می‌گیرند که اصلاح‌طلبان به مدافعان وضع موجود یا همان محافظه کار تبدیل شده اند. موضع ما در قبال دولت اتحاد و انتقاد بوده ولی گاهی این انتقاد به خوبی و روشنی یا با مصداق روشن گفته نشده یا به انتقاد از برخی انتصابات محدود شده است و راهبردها و خروجی‌ها را کمتر مورد نقد و بررسی قرار داده اند. اینها از دلایل شکل گیری این احساس است. اما دلایل دیگری هم وجود دارد. نزدیک شدن بخشی از اصولگرایان میانه به سمت گفتمان اصلاحات، و در نتیجه نزدیک شدن این جریان‌ها و کاهش تنش‌های رسانه‌ای، می‌تواند یکی دیگر از دلایل شکل گیری این احساس باشد که چرا اینها به هم نزدیک شده اند در حالی که لزوماً به معنی عدول اصلاح‌طلبان از مواضع خود نیست. یا درک شرایط موجود و موانع پیش رو که برخی موانع و ملاحظات را در نظر می‌گیرد؛ یا توافق بر سر این راهبرد که همه با هم حرکت کنیم و با هم به نتیجه برسیم و در نتیجه گاهی حرکت را سنگین و کند می‌کند؛ یا نبود تولید گفتمان‌های جدید؛ تکراری شدن برخی چهره‌ها و حرف‌ها؛ بازتر شدن شعاع عملکرد و خودنمایی برخی نیروهایی که آرمان گرایی و تعهد کمتری دارند؛ زخم‌های ترمیم نشده از حوادث سال‌های گذشته؛ برخی انتصابات یا بحث‌هایی مثل ژن خوب؛ سکوت نسبی در برابر برخی مطالبات جامعه مثل حق آزادی‌های اجتماعی و سبک زندگی؛ ضعف رسانه‌ای و تشکیلاتی اصلاح‌طلبان، همه و همه احساس نبود پیش برندگی گفتمان و راهبرد اصلاحات را نزد برخی ناظران و کارشناسان و بدنه اصلاحات ایجاد کرده است. اما تصور می‌کنم که با ارتباط گیری بیشتر اصلاح‌طلبان با جامعه و گفت وگو با نهادها و فعالان مدنی و شبکه‌های اجتماعی، خروج از انفعال چهره‌های مورد وثوق تر اصلاح‌طلبان و کسب برخی دستاوردها تا حدی این نقیصه برطرف خواهد شد. اما در کنار همه این نکات، یک هشدار مهم وجود دارد، که آن سوی ناامیدی از اصلاح و اصلاحات، اصولگرایی نیست. اگر امثال این نقدی که آقای رجایی به آن رسیده اند در سطح وسیع تری پذیرفته و باور شود، کل حاکمیت باید احساس نگرانی کند. ناامیدی، به معنای انفعال نیست. گاهی ناامیدی به حرکت‌های رادیکال ختم می‌شود که در آن همه مردم و کشور متضرر خواهند شد.